

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه عادیات

استاد ضرابی دیماه ۱۳۹۹

جلسه چهارم/۱۲/۱۰/۹۹

آیات شریفه : «أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹) وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰) إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱) - مگر نمی داند که چون آنچه در گورهاست بیرون ریخته گردد (۹) و آنچه در سینه هاست فاش شود (۱۰) در چنان روزی پروردگارشان به [حال] ایشان نیک آگاه است (۱۱)»

عنوان : درمان ناسپاسی انسان چیست؟

«أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ - آیا براستی آنکه شیفته دنیا است نمی داند که از قبرها برانگیخته می شوند و خداوند بر اساس نیت های درست و نادرست و عملکردهای عادلانه و ظالمانه پاداش می دهد؟» در این آیات بخوبی روشن است که خداوند یاد مرگ و روز حساب را درمان دنیا پرستی و ناسپاسی انسان قرار داده است.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (عليه السلام) می فرماید: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّكُمْ وَمَا أَنْتُمْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى سَبِيلٍ مَنْ قَدْ مَضَى مِمَّنْ كَانَ أَطْوَلَ مِنْكُمْ أَعْمَاراً وَ أَشَدَّ بَطْشاً وَ أَعْمَرَ دِيَاراً وَ أَبْعَدَ آثَاراً ... - ای بندگان خدا! بدانید که شما و آنچه در این دنیا دارید و حوادثی که بر شما می گذرد همان مسائلی هستند که بر گذشتگان شما هم گذشته است و آن ها هم مانند شما در این دنیا زندگی می کردند و عمر آن ها هم از شما طولانی تر و شهرهای آن ها آبادتر و آثارشان عمیق تر بود... بعد از زندگی به صورت مردگان در آمده اند آن ها بعد از عیش و عشرت و شادمانی خاک شدند، دوستان در مصیبت آن ها جمع شدند و در خاک آرمیدند، آن ها به جایی رفته اند که

دیگر برگشتی نیست، آن‌ها دور هستند، «چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید خداوندا مرا به دنیا برگردان تا کارهای شایسته انجام دهم و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند» (مؤمنون/۱۰۰) شما هم مانند آن‌ها خواهید شد و بدن‌های شما پوسیده می‌گردد، و به تنهایی روی خاک‌ها قرار خواهید گرفت.» (بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۴۳۹)

«أَوْصِيَكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ إِقْلَالِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ، وَ كَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ، ... - شما را به یاد کردن مرگ و کاستن بی خبری‌تان از آن سفارش می‌کنم. چگونه از چیزی غافلید که شما را رها نمی‌کند و از شما غافل نیست؟ چگونه از کسی که مهلت نمی‌دهد (ملک الموت) مهلت می‌طلبید؟ برای پند دادن به شما، مردگان کافی‌اند چرا که آنان را دیدید. بر دوش‌ها به گورهایشان بردند، نه خود سوار بودند؛ در گورهایشان فرود آوردند، نه خود فرود آمدند. گویی آنان آباد کننده دنیا نبودند، و گویی همیشه آخرت خانه‌هایشان بود، و پیوسته در آن غنودند. آنچه را وطن خود گرفته بودند، از آن رمیدند؛ و در آنجا که از آن می‌رمیدند، آرمیدند. بدانچه از آن جدا شدند، سرگرم گردیدند؛ و جایی را که بدان رفتند، تباه گردانیدند. نه می‌توانند از زشتی بازگردند؛ و نه بر کار نیک، بیفزایند. به دنیا خو گرفتند و آنان را فریفته ساخت؛ و بدان اعتماد کردند و بر خاکشان انداخت. پس بر یکدیگر (در کار خیر) پیشی گیرید خدایتان بیامرزد! در خانه‌هایتان (آخرت) که شما را آباد کردن آن امر فرموده‌اند، و بدانچه شما را خواهان آن ساخته‌اند و بدان خوانده‌اند. و با شکیبایی بر طاعت خدا و دوری گزیدن از معصیت او، کامل ساختن نعمتهایش را بخواهید، که فردا به امروز نزدیک است، و چه شتابان می‌گذرد ساعتهای روز و روزهای ماه و ماه‌های سال و سال‌های دوران زندگانی کوتاه.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸)

خواجه تا چند حساب زر و دینار کنی سود و سرمایه دین بر سر بازار کنی

شب عمرت بشد و صبح اجل نزدیک است خویشان را گه آن نیست که بیدار کنی

عنوان : انسان در قلب خود خلاصه می‌شود و قلب‌ها مسافران ابدیت‌اند

« وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ »: آنچه انسان در این جهان در قلب خود ذخیره می‌کند در جهان دیگر و نظام کاملتری به ظهور می‌رسد یعنی حرکات ارادی و افعال اختیاری انسان در دنیا سبب تفاوتها و گونه‌گونی مراتب و منازل بلکه ماهیات و چیستی آنها می‌شود

« وَ حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ » می‌گوید که هر فردی که در عالم آخرت حاضر می‌شود در دنیا سیرت و حقیقت وجودی خود را تحصیل نموده است. در فرمایشات امیر مؤمنان می‌خوانیم که: « فَكَيْفَ بِكُمْ لَوْ قَدْ تَنَاهَتْ الْأُمُورُ وَ بُعِثَرِ الْقُبُورُ ... _ هنگامی که کارها پایان یابد و قبرها از هم شکافته گردند وَ حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ شما در آن هنگام مقابل خداوند بزرگ قرار خواهید گرفت، دل‌ها از ترس گناهان خائف و پریشان می‌باشند و می‌دانند چه کرده‌اند، پرده‌ها بالا می‌روند و فاش می‌شوند و عیب‌ها آشکار می‌گردند و رازها بر ملا می‌شوند. » (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۳۹)

امام به فرزند معصومش حسن این چنین نصیحت می‌کند: « يَا بُنَيَّ، أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ، وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ، وَ تُفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ، حَتَّى يَأْتِيكَ وَ قَدْ أَخَذَتْ مِنْهُ جَذْرَكَ، وَ شَدَّدَتْ لَهُ أَرْكَكَ، وَ لَا يَأْتِيكَ بَعَثَةٌ فَيُبْهَرَكَ. _ فرزندم! بسیار یاد مرگ کن، و یاد آنچه با آن بر می‌آیی، و آنچه پس از مردن روی بدان می‌نمایی، تا چون بر تو در آید سازِ خویش را آراسته باشی و کمرِ خود را بسته باشی، تا ناگهان نیاید و تو را مغلوب نماید؛ و مبادا فریفته شوی که بینی دنیاداران به دنیا دل می‌نهند، و بر سرِ دنیا بر یکدیگر می‌جهند. چرا که خدا تو را از دنیا خبر داده و دنیا وصفِ خویش را با تو در میان نهاده و پرده از زشتی‌هایش برایت برداشته. حقیقت این است که دنیاپرستان سگانی هستند عو و عوکنان، و درندگانی هستند در پی صید دوان. به جان یکدیگر افتاده‌اند؛ نیرومندشان ناتوان را طعمه خویش می‌نماید، و بزرگشان بر خردشان دست چیرگی می‌گشاید. گروهی از ایشان [چون] حیوانات پایبند نهاده، و گروهی دیگر [چون] حیوانات رها شده، و خرد خود را از دست داده. در کار خویش سرگردان، در چراگاه زیان، در بیابانی دشوارگذر روان؛ نه شبانی که به کارشان رسد، نه چراننده‌ای که به چرایشان

بَرَد. دنیا به راه کوری‌شان راند و دیده‌هایشان را از چراغ هدایت بیپوشاند. در بیراهگی‌اش سرگردان، و فرو شده در نعمت آن. دنیا را پروردگار خود گرفته‌اند و دنیا با آنان به بازی پرداخته و آنان سرگرم بازی دنیا، و آنچه را پس آن است فراموش ساخته.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

يَا مَنْ بِدُنْيَاهُ اشْتَغَلَ قَدْ غَرَّهُ طُولُ الْأَمَلِ
الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً وَ الْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ

عنوان: علی علیه السلام میزان در دنیا و آخرت

نقش ولایت، همان میزان و شاخص اعمال، برترین نعمت خدا علی مرتضی (ع) که در آیه اول این سوره ظهور شاخص گونه او را در جریان سربیه ذات السلاسل مشاهده نمودید که خداوند وصف او را به صورت سوگندهایی در ۵ آیه نخستین این سوره آورده است: «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا...» وجود مبارک اوست که می‌گوید: «وَاللّٰهُ لَإِنْ أُنْبِيتَ عَلَىٰ حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا، أَوْ أُجِرَّ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفَّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِّبَعْضِ الْعِبَادِ، وَ غَاصِبًا لِّشَيْءٍ مِنَ الْحَطَامِ، وَ كَيْفَ أَظْلِمُ أَحَدًا لِنَفْسٍ يُسْرِعُ إِلَيَّ الْبَلَىٰ قُفُولُهَا، وَ يَطُولُ فِي الثَّرَىٰ حُلُولُهَا؟ - به خدا سوگند، اگر شب را روی خارهای سخت مانم بیدار، و از این سو بدان سویم کشند در طوقه‌ای آهنین گرفتار، خوش‌تر دارم تا روز رستاخیز بر خدا و رسول در آیم، بر یکی از بندگان ستمکار، یا اندک چیزی را گرفته باشم به ناسزاوار. و چگونه بر کسی ستم کنم به خاطر نفسی که به کهنگی و فرسودگی شتابان است و زمان ماندنش در خاک دراز و فراوان؟!» (نهج البلاغه، خطبه ۸۴)

«أَمَّا وَ اللَّهِ إِنِّي لَيَمْنَعَنِي مِنَ اللَّعْبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ. - به خدا سوگند، یاد مرگ مرا از بیهودگی باز می‌دارد. (نهج البلاغه، کلام ۲۲۴)

ای تیغ کجبت قبله نمای دل ما سرپنجه ی تو گره گشای دل ما
تو شیر حقی، دست حقی، مرد حقی ای نام بلندت آشنای دل ما

عنوان: محتوای همه سوره در آخرین آیه

درباره آخرین آیه «إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ» در این سوره و در هر سوره‌ای مکرر گفته شد که بطور اجمالی همه مفاد سوره را در خود دارد و از نظر محتوا بر اولین آیه سوره منطبق است که با عبارت دیگری آمده است.

در آخرت نیز همانند دنیا میزان و شاخص سنجش اعمال ظاهر و باطن و مقسم جنت و نار امیر مؤمنان علی مرتضی (علیه آلاف التحية و الثناء) است همچنانکه مظهر ربوبیت و اسم خبیر حق در آخرت مقام ولایت عظمی است. ابو حمزه ثمالی گوید: «امام باقر (علیه السلام) درباره‌ی سخن خداوند: هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَاباً وَ خَيْرٌ عُقْباً فرمودند: تِلْكَ وَ لَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا بِهَا - این ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که هیچ پیامبری جز به آن مبعوث نشده است». (شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۴۶۱)

اما برای آن که بدانیم چگونه ولی خدا علی (علیه السلام) مظهر ربوبیت و اسم خبیر خداوند «إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ» در رسیدگی به اعمال انسان‌ها در آخرت خواهد بود؟ به مضمون این روایت توجه کنید:

«عن سليمان بن خالد، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق، عن آبائه (عليهم السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لعلی (عليه السلام): ... يا علی انت قسيم الجنة والنار، لا يدخل الجنة الا من عرفك وعرفته، ولا يدخل النار الا من انكرک وانكرته. _ از سلیمان بن خالد از امام صادق (علیه السلام) از پدرانشان از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: ... ای علی تو قسمت کننده بهشت و دوزخی وارد بهشت نمی‌شود مگر کسی که او تو را و تو او را بشناسی (جزء شیعیان واقعی تو باشد) و وارد دوزخ نمی‌شود مگر کسی که تو را انکار کند و تو او را انکار کنی.» (شیخ مفید، محمد بن محمد، امالی، ص ۲۱۳).

عنوان : تعجب از این اعتراف و آن عمل

جالب این است که اهل سنت به این حقیقت اعتراف دارند : به اختصار و به عنوان نمونه: از احمد بن حنبل پیشوای مذهب حنبلی این چنین روایت شده است:

محمد بن منصور گوید: ما نزد احمد بن حنبل بودیم مردی به وی گفت: ای اباعبدالله درباره این حدیث که از علی(ع) روایت شده که گفت: «انا قسیم النار» (من قسمت کننده آتش هستم) چه می گوئی؟ احمد گفت: «و ما تنکرون من ذا؟» (چرا آن را انکار می کنید؟) آیا این روایت به ما نرسیده است که پیغمبر اکرم(ص) به علی فرمود: «لا یحبک إلا مؤمن ولا یبغضک الا منافق؟» (تو را دوست نمی دارد مگر مؤمن و تو را دشمن ندارد به جز منافق؟) گفتیم: آری (پیامبر(ص) به علی چنین فرمود)، احمد گفت: پس جای مؤمن در کجا باشد؟ گفتیم: در بهشت، گفت: جای منافق در کجا است؟ گفتیم: در آتش جهنم، احمد گفت: «فعلی قسیم النار» (پس علی قسمت کننده آتش است). (الامام الصادق ج ۱، ص ۵۰۲ طبقات الحنابلة)

«عَلِیُّ حُبُّهُ جُنَّةٌ إِمَامُ النَّاسِ وَ الْجَنَّةُ وَصِیُّ الْمُصْطَفَی حَقًّا قَسِیمُ النَّارِ وَ الْجَنَّةُ - دوستی علی سپر آتش دوزخ است. او امام انسانها و جنیان است. او در حقیقت وصی مصطفی(ص) و قسمت کننده بهشت و دوزخ است». (دیوان شافعی، چاپ مصر، ص ۳۲).

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را	که به ماسوا فکندی همه سایه هما را
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین	به علی شناختم به خدا قسم خدا را
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند	چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را
مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ	به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را